

دوره نهم تقنینیه

جلسه ۱۴۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ - ۲۱ محرم ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۵۸

قیمت اشتراك { سالانه } داخله ۲۵۰ ریال ، خارج ۱۰۰۰ ریال ، نك شماره : دو ریال

مطبعه مجلس

جلس

۱۳ (۲۱ محرم ۱۳۵۲)

اطلاع و شکرکین محترم

بر حسب تصمیم هیئت محترم رایسه مجلس شورای ملی برای اینکه
مجاله صورت و مبروح مذاکرات مجلس برای عموم مراجعه کنندگان
محرم جامع و مفیدتر باشد از آغاز نهمین دوره تقابله قوانین قضائی
مشرقه کهسیون محترم عدلیه مجلس شورای ملی هم که جنبه رسمی و
قانونی دارد در مجاله مذکور مطبع و نشر میگردد که بطور کلی در آخر
نهمین گردنی تقابله مجموعاً از کاپه فرابین مشروب اعم از قضائی و غیر
قضائی در دسترس و شکرکین محترم خواهد بود.

و نیز از آغاز نهمین دوره تقابله در قبهت اشتراک جمله مخفی
داده شده و برای یکسال در داخله ۷۵ ریال و در خارجه ۱۰۰ ریال
مقرر گردیده است.

جامه به - غنم چله

شکلیل گردید

مدی (مثنی) فرانت نمودند

ممالک ۱۳۱۴ مستقیماً از محل اعتبار
و ادارات مربوطه بحساب عایدات ۱۳۱۲
ارج مربوطه به سال ۱۳۱۴ را که تاخیر
بضرر و خسارت دولت و باقونمی و با
است بطور مساعد از عایدات ۱۳۱۴
بر اینکه اطمینان کامل حاصل شود که
بارات ثابت باشد که احتمال عدم تصویب
بود عادتاً معدوم یا بغایت مستبعد باشد
که برطبق این ماده میشود و همچنین
برطبق ماده ۱۰ مضم قانون بودجه
مساعده بابت سال ۱۳۱۲ به عمل آمده
مالیه مستقیماً به محض تصویب بودجه
اعتبارات وزارتخانه یا اداره مربوطه

نرد از ۱۳۵۰

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

ت :

... - حبیبی - طباطبائی - بروجرودی - یونس آقا

... - شریعت زاده - ناصری - سکوند

... - آقاخان - حاج میرزا حبیب آقا امین - اسدی - اعظم زنگنه - طویرانچیان

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ * (۲۱ محرم ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

(۴) بوقم و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(۱) تصویب صورت مجلس

(۲) بقیه شور لایحه متمم قانون بودجه کل از ماده ۲۱

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر بابت آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - آقای عراقی

عراقی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد -

خیر) صورت مجلس تصویب شد . آقای امین التجار آقایان

میخواهید صحبت بکنید؟ (امین التجار - بلی)

[۲ - بقیه شور لایحه متمم بودجه کل از ماده ۲۴]

رئیس - ماده بیست و چهارم از قانون متمم بودجه

مملکتی مطرح است

ماده ۲۴ - وزارت مالیه مجاز است قیمت و مصارف

مربوطه بندارک آن قسمت از لوازم دفتری وزارت خانهها

و ادارات دولتی را (باستثنای وزارتین دربار پهلوی و جنگ

و اداره امنیه) که باید برای اول سال ۱۳۱۴ حاضر

باشد از محل عایدات جاری ۱۳۱۲ پرداخته و پس از

تصویب بودجه مملکتی ۱۳۱۲ مستقیماً از محل اعتبار

وزارت خانه ها و ادارات مربوطه بحساب عایدات ۱۳۱۲

رد نماید و نیز مخارج مربوطه بسال ۱۳۱۴ را که تاخیر

ناید آنها منجر بضرر خسارت دولت و باقوتی و یا

غیر قابل جبران است بطور مساعد از عایدات ۱۳۱۴

پیردازد مشروط بر اینکه اطمینان کامل حاصل شود که

اعتبار آن جزء اعتبارات ثابت باشد که احتمال عدم تصویب

آن در بودجه سال بعد عادتاً معدوم یا بقایت مستبعد باشد

کلیه پرداخت هائی که بر طبق این ماده میشود و همچنین

پرداخت هائی که بر طبق ماده ۱۰ متمم قانون بودجه

۱۳۱۱ به عنوان مساعد بابت سال ۱۳۱۲ بعمل آمده

است خود وزارت مالیه مستقیماً بمحض تصویب بودجه

سنوات مربوطه از اعتبارات وزارتخانه یا اداره مربوطه

مسئرد خواهد نمود .

* * * عین مذاکرات مشروح چهاردهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ از ماه ۱۳۰۵)

دایرة نند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین بی اجازه - آقایان : حیدری - دکتر امیر اعلم - استنزیاری - سعود آیتی - حبیبی - طباطبائی بر جدیدی - یونس آقا

مورق - قونم - شریعت زاده - ناصری - سکوند

در آمدگان بی اجازه - آقایان : حاج میرزا حبیب الله امین - اسدی - اعظم زنگه - طورانچیان

رئیس - آقای دیبا .

طباطبائی دیبا - این جا بمقتضای راجع به استثناء خوب تنظیم شده ذکر شده باستثنای وزارتین دربار پهلوی و جنگ و اداره امنیه معلوم نیست که تکلیف اینها چیست بالبداهه مقصود این نیست که مخارج دفتری وزارت دربار و جنگ و امنیه را در اول سال بپردازند مفهوم این است اینها حکم و تکلیف دیگری دارند که اینجا ذکر نشده بنده عقیده ام این است که در استثناء آنها هم باید ذکر شود مثل سایر وزارتخانه ها در اول سال پرداخته میشود بعد هم مسترد میشود اما اینجا که وزارت دربار و جنگ و اداره امنیه که استثناء شده است معلوم نیست که آنها مخارج دفتریشان را بچه ترتیب پرداخت کنند بکی هم يك تذکری داشتم آقای وزیر مالیه تشریف دارند راجع بمخارج دفتری وزارت خاتما . در وزارت خاتما و ادارات چندان صرفه جوئی در این خصوص نمیشود اداره ملزومات همین که پیشنهادی میکند يك ملزوماتی را خرید میکنند و تحویل میدهند بعد در مصرف هم حقیقتاً صرفه جوئی نمیشود برای يك مختصر کاری ملاحظه میشود که يك دوشنبه خیلی ضخیم تنظیم میشود و بمقدار کلی کاغذ و مرکب و قلم تلف میشود در صورتیکه ممکن است خیلی صرفه جوئی بشود حتی در بعضی ادارات کاغذ و مرکب و قلم و اینها بمخارج شخصی هم صرف میشود بنده غالباً دیده ام مثلاً بکثرت رئیس اداره یا بکثرت اجزاء اداره بيك رفیق خودش کاغذ خصوصی که مینویسد روی کاغذ ریپاکت مارک دار مینویسد منتها بيك قلم روی آن مارک میکشد اینها را آقای وزیر مالیه باید وقت کنند که راجع بمخارج دفتری که حقیقتاً يك مبلغ گزافی است در وزارت خاتما و ادارات دولتی صرفه جوئی بشود اداره ملزومات که پیشنهادی میکند اینها را باید تقاضا کنند و عدم ضرورت آنرا ملاحظه کند و بعد در مصرف هم قدری صرفه جوئی کنند و یکی هم راجع بسال بعد که اینجا ذکر شده مشروط بر اینکه اطمینان کامل حاصل شود که اعتبار آن جزء اعتبارات ثابت باشد که احتمال عدم تصویب

و گاهی وقت در اینکه آیا فلان چیز طرف احتیاج است یا نه کار ما را معطل میکند و بسايد يك ارفاقی هم بکنند

رئیس - آقایانیکه با ماده ۲۴ موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۲۵ قرائت میشود
ماده ۲۵ - وزارت مالیه مجاز است مستمری آقای کامیل مولینز مستشار سابق اداره پست را از ۱۳۰۱ تا آخر ۱۳۱۲ از فرار سالی ۹ هزار فرانک طلا و لیز مستمری آقای هنسنس رئیس سابق گمرک را از سال ۱۳۰۵ تا روز وقت از فرار سالی ۱۰ هزار فرانک فرانسه از اعتباریکه در بودجه مملکتی سال جاری ضمن جزء (۱۲) قسمت (۱۷) منظور شده تأدیبه نموده و در سالهای بعد مستمری آقای کامیل مولینز را جزو رقم اعتبار مستمریان و شهریه ها در بودجه مملکتی منظور دارد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

دیبا - بنده هم اجازه خواسته ام

رئیس - در ورقه قبلاً اشخاصی اجازه خواسته اند که باید حرف بزنند.

دیبا - بنده هم در ورقه اجازه خواسته ام

رئیس - اما خیلی مؤخر یعنی آقا هشتمین شخص هستید آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - استدعا میکنم توجه کاملتری آقایان بر ارضی که بنده دارم فرمایند اولاً گویا پربروز نمیدانم آقای رهنما یا آقای دشتی تذکری دادند بمقتضای بنده خیلی اساسی بود آن این است که قانون متمم بودجه آنها مشروط بوزارت مالیه نیست هر فصلی از این مشروط است بيك وزارتخانه درست است که از حيث پرداخت وزارت مالیه مسئول است اما در قسمتهای دیگر مشروط بادارات دیگر است و بنده عقیده ام این است که در موفقی که قانون متمم بودجه مطرح میشود باید هیئت دولت همه در مجلس حاضر باشند و الا بکثرت وزیر مالیه البته در قسمت پرداخت ایشان

مسئولند لیکن این برای چه مصرف است عمل احتیاجش چه بوده است توضیحانی اگر آقایان بخواهند ایشان که لوح محفوظ نیستند که همه را در حفظ داشته باشند همچو نوعی هم نباید داشت البته می بایست همه تشریف بیاورند اما متأسفانه تشریف نمی آورند و مخصوصاً بنده عراضی در نظر گرفته ام که عرض میکنم که بيك قسمت آن اعتراض بماده است و بيك قسمت دیگر تذکر بیهیئت دولت است در آن قسمت تذکر قطع دارم آقای وزیر مالیه کاملاً با عقیده بنده موافقت دارند و هیچ مخالفتی نداریم فقط بيك تذکری است که میخواهم عرض کنم. بعد از این مقدمه میخواهم عرض کنم بيك موضوع در سیاست مدن و تدبیر منزل که بيك قسمت های حکمت عملی است این موضوع مجری و مسلم است که هرگاه بيك دولتی از مستخدمین خادم خودش و از خدمتگزاران بمملکت رعایت نکند مساعدت و همراهی نکند موجب تشویق و ترغیب سایر مردم میشود این مسلم است و بالعکس همین طور اشخاصی که بمملکت خیانت میکنند آنها را باید دولت مجازات کند نه عقیب کند تا اینکه سایرین بفهمند و ترتیب بشوند که دیگر دچار این گرفتاریها نشوند (صحیح است) اینکه در آیه شریفه هست و فی القصاص حیوة یا اولی الالیاب در حالیکه این دو قتل واقع میشود ولی حیوة سایرین تأمین میشود این هم برای همین است حالا اگر بيك وقتی دولتی آمد نقشه را معکوس کرد یعنی خادمین مملکت را طرف توجه فرار نداد و بحال آنها رسیدگی نکرد و از آنطرف اشخاصی که خیانت کردند بآنها مساعدت کرد البته نتیجه معکوس میشود هیچ شبهه ندارد چنانکه سابقاً در این مملکت همینطور بوده اشخاصیکه بمملکت خیانت میکردند همه در مقامات عالیه بودند و اشخاص خادم در حبس و تبعید و در اطراف بودند لیکن بحمدالله از نهضت اخیر و از وقتی که اعلیحضرت همایونی در رأس کارها فرار گرفتند و امور آن بهجریای خودش فرار گرفت البته همه اینها رعایت شده و می بینیم که محکمه جزای عمال دولت باز

شده و اشخاصیکه خیانت میکنند به حاکم کذبده میشوند و مجازات میشوند اما این قسمت یعنی آن قسمتی که از اشخاص خدمتگذار و اشخاصیکه باین مملکت خدمت ها کرده اند آنها قدری از نظر دولت درمافده اند و يك قسمت راجع بمستخدمین خارجی است که بنده اینرا لازم میدانم عرض کنم و آن اینست که سابقاً مستخدمین خارجی باین مملکت میآمدند يك حقوق های کرائی میکردند و يك خیانتها می میکردند لیکن کابینولاسیون بود و ما نمیتوانستیم آنها را محاکمه بکشیم پولها را بر میداشتند و میفرقتند لیکن امروز ما می بینیم آن قسمت بمحمدالله اصلاح شده بعضی از مستخدمین خارجی هم که خیانت میکنند آنها را محاکمه میکنیم تا درجه که فلان خارجی خودش را انحصار میکند و میکند که محاکمه نرسد از نرس محاکمه و باید حقیقتاً آشکر کرد از این قسمت اما حالا میخواهم عرض کنم که این قسمت از بقایای سابق است که این ماده اینجا نوشته شده تا اینکه مال دولت حاضر است که آقا با من هم عقیده هستند این از همان اعمال سابقین است که دولت را دچار اشکال کرده و مجبور شده است که ماده ۲۵ را در اینجا بنویسد والا هرگز دولت راضی نیست باشخاصی که برای خودش محرز است که در این مملکت آمده اند خیانت و دزدی کرده اند حالا هم يك پولی برایشان بفرستد البته دولت همچو عقیده ندارد لیکن اگر حالا در این مقدمه شبهه باشد که این در نظری را که اینجا اسم برده اند بنده اجازه میخواهم يك جزئی از اعمالشان را عرض کنم اما مسیو هینس سابقاً آمدند و گمرکی را که میخواستیم تشکیل بدهیم بلژیکی ها را آوردیم در گمرک و بنده بی الصافی نمیکشم انصافاً يك قسمشان خوب کار کردند و دفاتر گمرکی ما که آنوقت ترتیب نداشت منظم کردند اما خیلی کم يك اساسی در نظر گرفتند اما خیانتها را آنها را میخواهم عرض کنم و استدعا میکنم آقایان هم این کتابیکه بنده دارم البته منزل که رفتند مراجعه کنند و آن کتاب اختناق ایران است که مستر شوسر امریکائی نوشته است

در آنجا بیکه وقتی آمده است خزانه دار ایران و رئیس مالیه شده است آنچه کرده است که گمرک را در تحت نظر مالیه بیاورد توانسته است و بالاخره در کتاب خودش مینویسد علت اینکه من توانستم کار پیش ببرم این شده که گمرک که منبع عایدات بزرگی بود بدست من ندادند و بالاخره فشار هم که آوردم آن قضا بپیش آمد که شوسر از این مملکت رفت. عرض کنم يك موضوع دیگر وقتی که مستر شوسر راه میآوردند البته خود آقای وزیر مالیه آنوقت وکیل بودم اندر در مجلس تشریف داشتند با چه ذوق و شوق آوردند و چه اختیارات خوبی بایشان دادند و معروف شد باختیارات ۲۳ جوزا که خودش يك عنوانی دارد مستر شوسر آمد و بواسطه مخالفت همین اعضاء گمرک نتوانست کار بکند بالاخره آن فضا بپیش آمد و آن اولتیماتوم و اورفت اما همان اختیارات ۲۳ جوزا را این آقایان بلژیکیها در دست گرفتند (افسر - مرفاردر) همانها بیکه دشمن شوسر بودند و با اصلاح مالیه مملکت مخالفت میکردند آنها را آوردند در خزانه و اختیارات ۲۳ جوزا هم بود و اینها با آن اختیارات است که مالیه این مملکت را به آن روز رساندند که آقایان بیکه در دوره سوم وکیل بودند حضرت اشرف آقای رئیس بودند آقای افسر بودند مستخدمین که فشار آوردند که هفت هشت ماه است حقوق نرسیده و مجلس تعقیب کرد و بالاخره همین خزانه دارهای بلژیکی مقداری آجر و گاه دادند همه خاطرمان هست بمستخدمین دولت دادند و این وضعیت خزانه مملکت بود که تا باین درجه رساندند که همه بدهیم و خاطرمان است روزی که در این مجلس قانون ۲۳ جوزا را مجلس سوم لغو کرد و قانون تشکیلات مالیه را نوشت مردم این شهر چراغها کردند جشن گرفتند که این اختیارات از دست بلژیکیها رفت و همین هینس هم خزانه دار بود امضاها بپوشا بنده دارم توجه میفرمایید يك همچو آدمی که باین مملکت همچو کارهایی را کرده است حالا ما بیاییم اینجا و رأی

بدهیم که از ۱۳۰۵ الی حین وفاتش سالی ده هزار فرانک طلا بورده آن مرحوم بدهیم (بعضی از نمایندگان - طلا ندارد) خیلی خوب فرانک فرانسه بایشان بدهیم ایشان که بمملکت ما ابتکارها را که عرض کرده ام کرده اند و نتیجه خدماتشان این بوده این پول را به ایشان بدهیم اما راجع بمولیتها البته خاطر آقایان مسیوق است که اینها در برادر بودند لامیر مولیتو و کامیل مولیتو یکی شان در گمرک بود یکی شان در پستخانه قسمت پستخانه را چون نمیخواهم خیلی وقت آقایان را ضایع کنم تکرار نمیکشم ارقامی بود که پربروز آقای اعتبار الدوله در پست این تریبون خواندند و بنده هم صورتش را بر داشتم اگر میخواهید تکرار کنم بخوانم که چند ملیون فرانک طلا و غیر طلا کلکیون های تعمیر و سایر اشیاء قیمتی که در پست خانه بود و در همه دول معمول است که به پست می فرستند و تعمیرها را مبادله میکنند و کتابهای قیمتی در پستخانه ما جمع شده بود و اینها را برداشت و رفت و رسیدگیها شد کمیسیونها شد همینطور میگویند که آقا فرمودند دوسه ها تهیه شد این ارقامیکه آقا فرمودند و خواندند ارقامی است که در کمیسیونها معین شده و تشخیص داده شده که قیمت اینها بوده یعنی در آنوقت آدمی پیدا شده ورقه داده صورت داده که اینها را بفروشد بمن ایشان نداده اند و اینها را برداشته اند و تشریف برده اند و البته چون آقای مخبر فرزند هم اجازه خواسته اند و چون در وزارت پست و تلگراف بوده اند اطلاعاتشان مبسوط تر است و اطلاعاتشان را در اینقسمت بمرض مجلس خواهند رسانید يك قسمت دیگر که مال مولیتوها است و بنده این کتاب را آورده ام اینجا برای این موضوع البته هم آقایان میدانند و در خاطرشان هست که در سال ۱۲۹۶ شمسی يك فحطی در طهران شد و فحطی خیلی سختی بود و مردم خیلی صدمه برسید و خیلی رنج و زحمت کشیدند بعد آن کابینه افتاد و کابینه بعدی آمد با اینکه در سنه ۱۳۳۷ بشهادت آقایان

مالکین که در مجلس شورای ملی هستند آنال محمول خیلی خوب بود مخصوصاً محمول ورامین در سال ۱۳۳۷ خیلی خوب بود (آقای منصور آقای محیط و آقای دهستانی هستند و اطلاع دارند) با این وضعیت آمدند و گفتند محمول بد شده کابینه هم افتاده بود گفتند چون بد شده است باید ترتیب اداری برایش درست کرد یعنی برای ارزاق عمومی و آمدند اداره ارزاق را در میزان ۱۲۹۷ درست کردند و واگذار کردند بمولیتو تا حمل (صحیح است) قیمت اجناسی که در هر ماه خریده است بنده اینجا صورت دارم که در هر ماه اعلان کرده است که در میزان باین قیمت میخرم در عقرب باین قیمت میخرم در قوس باین قیمت میخرم تا حمل آمده و قیمت هارانه بین کرده است آنوقت خط زنجیری هم درست کرده بود که خاطر هم آقایان هست سوارهای مالیه و ارزاق درست کردند و با طرف فرستادند که گندم را جاهای دیگر ببرند و بیاورند بطهران غرضم این است که پولهای جنس را عیناً بخرج آورده است. در حساب خزانه داری هست الان موجود است و مخصوصاً خواهش میکنم آقای وزیر مالیه بحساب اداره ارزاق آنسال یعنی بحساب پولی که داده اند دولت داده است از گمرک از خالصجات از خزانه از پستخانه که صورتش را بنده دارم هفت کرور پول در ظرف این ششماه بمولیتو داده اند و سیصد هزار تومان هم تفاوت قیمت جنس داشته است که جنس را سی تومان میخریده گفته است سی تومان میخرم و سی تومان هم خریده است اما به عجز سی و هشت تومان داده است که ۸ تومان علاوه شده اینرا هم بنده حساب کرده ام شده است هفت کرور و سیصد هزار تومان در اول حمل صدای مردم بلند شد که آقا این پولی را که شما باینها میدیدید بنده خاطرمان هست يك اعلانی در همانوقت منتشر کردند مردم گفتند که آقا این هفت کرور تومان پول که میدیدید بجای آن پول نان بجای مردم بدهید (صحیح است) چرا آخر این هفت کرور را باین میدیدید؟ بالاخره ایشان را در

اول حمل از کار انداختند هفت کرور و سیصد هزار تومان هم بایشان پول دادند - کابینه و نوق الدوله بود مراسله ایش هست از ایشان صورت حساب خواسته است که آقا شما هفت کرور و سیصد هزار تومان جنس خریدید اید صورت این را بدهید جوابی که داده است این است که از قشون فاتح کسی حساب نمی خواهد (خنده نمایندگان) خدا شاهد است این عین جوابی است که داده است که از قشون فاتح کسی حساب نمی خواهد (صحیح است) تعقیب هم کردند بالاخره پولها را برداشت و رفت حساب هم نکردند و قداد تا حالا این هم يك خدمتش است - حالا بر میگردیم بمقدمه اول که باید بمخادمین تشویق کرد و بمخاتنین اذیت کرد آنوقت ما چه میکنیم؟ میخواهیم برای آقای مولی از ۱۳۰۹ الی ۱۳۱۲ (عده از نمایندگان - و بعدها) بلی و بعدها سالی نه هزار فرانک فرانک طلا اینجا دیگر آقای ثقة الاسلامی مخصوصاً فید طلا هم دارد ملاحظه فرمودید؟ سالی نه هزار فرانک طلا از ۱۳۰۹ الی حالا که ۱۳۱۲ باشد سالی نه هزار فرانک بنده حساب کردم میشود ۹۲ هزار تومان میشود (اورنگ - بیشتر ۱۰۸ هزار تومان) بلی اگر تفاوت نرخ را حساب کنیم ۱۰۸ هزار تومان میشود ما باید پول بدهیم حالا تا کی؟ معلوم نیست الی یوم القیامه آنوقت آمده ایم در ماده ۲۶ هم يك رجحانی دیگر برایشان قائل شده ایم: ما قانونی در مجلس شورای ملی گذرانیدیم که کسانی که مستمری دارند آنها مجبورند تا پنج سال مستمریات شان را بفروشند لکن این جا این این آقایان را مختار کرده ایم که دلشان اگر خواست بفروشند بدولت مطابق همان قانون و اگر دلشان نخواست که هیچ هم بطور بگیرند بقول یکی از رفقا که میگفت تسلا بعد تسل بطناً بمبطن الی یوم القیامه آخر این یعنی چه؟ از آن طرف آقا در مملکت البته من میدانم که این عرض را که میخواهم بکنم خود آنها راضی نیستند که من بگویم ولی مخصوصاً اشاره میکنم با آقای وزیر مالیه و قطع دارم در هیئت دولت تذکر خواهند داد که مانعایستی این کار را بکنیم در صورتیکه خادمین مملکت ما الان عرض میکنم آیا خادمین مملکت مان را چه کار میکنیم وقتی بمخاتنین این

کار را میکنیم با آنها چه کار میکنیم؟ (صحیح است) خادمین مملکت و اشخاصی که شبهه در شان نیست (صحیح است) بنده حالا اسم میبرم یکی دو تا را اسم میبرم خودتان در احم یقین دارم باینده هم عقیده هستید. مرحوم آقا سید محمد طباطبائی در این مملکت چه کرد؟ همه مردم میدانند آقا سید محمد طباطبائی بنده کتاب و کاغذش را دارم که در سال ۱۲۰۷ هجری قمری مراسله ای بن مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی را ایشان و مرحوم میرزای شیرازی مبادله شده است در ۱۳۰۷ قمری الان در تاریخ بیداری ایرانین عین آن کاغذها ثبت شده است تا وقتی که بطهران آمد و تا وقتی که مردم او را می شناختند آقا سید محمد آدمی بود نه از کسی دیناری پول گرفت نه خیانت کرد و در هر موقع خدمت کرد خودش بیجه هایش - همه میدانند (صحیح است) تا وقتی که آقا سید محمد مرحوم شد و واقعاً گفت که عاقل سمیدا و مات سمیدا اما ما با ورثه آن مرحوم چه کردیم؟ آلان میدانم که عزت نفس آنها مانع است و الا شرح گرفتاری و عسرت آنها را میکنم آبا می دانید آنها چه می گذرد ما چرا باید آنها این کار را بکنیم یکی که خدمت باین مملکت می کند این طور حالا ما با خائنین این کار را می کنیم این خوب نیست آقا. (صحیح است) اینها يك مستمری داشتند سی تومان مستمری خودشان را انتقال دادند برای مقبره مرحوم آقا سید محمد و آلان دو سال است بهشان داده نمیشود این خوب نیست آقا اینها اثر بدی دارد برای ما اینها را البته اعلیحضرت پهلوی منوجه باین جزئیات نیستند دولت باید اینها را اصلاح کند اقدام کند یکی دیگر آقای تقی زاده وزیر محترم مالیه هم خوب می شناسد آقای شیخ رضای دهخوار قاضی مرحوم البته شما بهتر از بنده می شناسید اینطور نیست؟ يك نفر آدم جدی مشروطه خواه (صحیح است) درست در این مجلس هم دو سه دوره وکیل بوده اند همه می شناختیم ایشان را (صحیح است) به اجرت رفت و برگشت و در تمیز بود و فوت کرد آیا می دانید بیجه های ایشان چه می کنند؟ استدعا دارم چون آقای اورنگ اطلاع دارند و خبر دارند از حال آنها توضیح بدهند (اورنگ - صحیح است)

بلی این چیزها را باید اصلاح کرد. دیروز آقای رئیس يك فرمایشی فرمودند که در بنده خیلی اثر کرد فرمودند بعضی ها هستند که آکسیون دارند سهم دارند حق دارند در مشروطیت زحمت کشیده اند باید اینها را وزیر محترم مالیه دولت در نظر بگیرند یقین دارم آقای وزیر مالیه با من هم عقیده است باید هیئت دولت اینها را در نظر بگیرند اشخاصی که باین مملکت خدمت کرده اند از ورثه آنها نگاهداری کنند بحال آنها رسیدگی کنند (صحیح است - احسنت) کمک کند مساعدت کند. این اشخاص هم که خیانت کرده اند معلوم است بآنها هم ندهند (صحیح است) این پول ها را يك توضیحی آقا فرمودند چون بنده میدانم آقا عقیده ندارند این پولها داده شود يك توضیحی فرمودند که يك وزیر بر داشت در ایام فترت و يك کاری کرد و البته خود حضرت عالی میدانید که يك وزیر حق نداشته است این کار را بکنند بدون تصویب مجلس شورای ملی نمیشود و حق نداشته است نمیتوانسته است بدهد و در قرار داد بنویسند هیچ همچو اختیاری يك وزیر نداشته است که در زمان فترت بنویسد و بدهد بعد در جواب یکی از آقایان گویا در جواب آقای اعتبار بود آقای وزیر مالیه فرمودند که عجله این را بگذرانیم تا اینکه بآن حسابهای رسیدگی شود چون اینها در کیسیون است و حکمیت شده بنده عرض میکنم دولت رسیدگی بحسابش کند کیسیون هم هر وقت بنتیجه دوسیه های این امر رسیدگی کرد اگر دیدیم طلب کار شد آنوقت مجلس حاضر است ما حاضریم (صحیح است) و رأی میدهیم لکن در حالتیکه رسیدگی نشده است و آن قسمت دوسیه آنجا باقی است و ما اینجا يك رأی میدهیم نمیشود و نباید باز پول بدهند و نمیتوانند بدهند (صحیح است) بر فرض هم که حق داشته باشد او بشما مفروض است بما بدهی دارد در همان وقت رسیدگی نهان کنیم و همان وقت فنونش را میگذرانیم یعنی پس از رسیدگی. این است که پیشنهادی هم تهیه کردیم و تقدیم مقام ریاست میکنم که ماده ۲۵ و ۲۶ را حذف فرمایند

بعد اگر لازم شد باز بیآورید مجلس لکن این تذکراتی که دادم استدعا دارم فراموش نشود و این تذکرات بنده را هم امیدوارم در هیئت دولت آقای وزیر مالیه با آن علاقه که بمملکت و آزادی خواهان حقیقی مملکت داشته و دارند مذاکره میفرمایند و در نظر مبارکشان باشد که يك رسیدگی بحال و سوابق آن اشخاص بکنند و ورثه این اشخاص آقا حالشان خراب است مرحوم مساوات را همه می شناختیم خدمات او را هم همه میدانند حالا آیا میدانید که بر اولاد آن مرحوم چه میگردد؟ اینها چیزهایی است که آقا باید در آن خصوص فکر کرد (صحیح است) این است که بنده پیشنهاد میکنم که این دو ماه حذف شود و پیشنهادم را تقدیم مقام ریاست میکنم.

وزیر مالیه - بعضی از آقایان عقیده شان این بود که وضع این ماده در اینجا مضر است بعضیهاشان هم شاید عقیده شان این باشد که اگر مضر نباشد فایده هم ندارد ولی اقل فایده اش این بود که وقتی داد باقی مؤید احمدی که بیانات مفصل و مفیدی فرمودند شاید هم بیست سی نفر از آقایان محترم دیگر هم بعد باین تقصیل و باین خوبی حاضر دارند ولی بنده میخواهم اگر خیلی اصرار نداشته باشند در تعلق شان بنده برای شنیدن حاضر ولی بنده قبلاً جواب همه را میخواهم عرض کرده باشم ای کاش از این مطالبی که آخر فرمودند شروع میفرمودند بعد بر میگردیم سر سار فرمایشاتشان بنده هم قصدی غیر از این ندارم آرزو هم عرض کردم فرمودند که با تقصیری دارد یا ندارد بحکمیت هم رجوع شده و این ممکن است طلبی داشته باشد ممکن است نداشته باشد و حکمیت هم رأی داده دادنی هم باشیم میدهیم ما هم البته موافقیم که بحق ما هم رسیدگی شود و تا آن کار نشود البته این را نمیدهند غیر از اینکه نظر دیگری نیست؟ يك کسی يك ادعای حق باطلی میکند رفت فرضاً از محکمه حکمی هم بر علیه من آورد که من آنرا از روی عقیده و وجدان قبول ندارم ولی خوب محکمه حکم داده است چه میشود کرد با خیر شخصی خودش را من آدم بدی نیستم دانم

بهار دلیل خیلی معروف به بدی است خیلی کار های دیگر هم کرده که من نمیتوانم بگویم و این خیلی آدم بدی بوده ولی آن حکم را باو داده اند خوب من هم اگر دعای دارم بر او البته میروم ادعا میکنم و هر وقت آن حکم صادر شد اگر بدی دارم میدهم اگر طلب دارم میگیرم این البته در جای خودش صحیح است و پایه خون سردی تلقی میکنیم (اعتبار - من این را صحیح میدانم) خوب آنچه را که شما صحیح میدانید کافی نیست. مطلب در اینجا است نه بنده نه شما نه هیچکس این مملکت ۲۵ سال ۲۶ سال چقدر است قوه قضائیه دالر کرده و برقرار کرده است البته مجلس شورای ملی مقام صالحی است مجلس مقام صالحی است برای قانون گذاری. البته میشود هم گفت که فلان آدم را این جور چیزها در باره اش شنیده ایم یا گفته اند. ولی هر چه بگویم مثل این است که يك آدمی در خارج بگوید از این قبیل چیزها ناوقتس که يك محکمه صالحه نرفته يك محکمه قانونی نرفته نمیشود همینطور هم در کمیسیون مانند بدتر میشود آنچه هم مانند البته ممکن است يك وقتی بعد از ده سال بیست سال باعث این بشود که شاید از کمیسیون با محکمه حکم صادر شود و فرعی را هم رویش بکشد و يك وقت هم از شما پانصد هزار تومان بگیرد خوب همیشه که ما بیستیم شما بیستید بنده بیستم خوب باید يك چیزی که پایه اش يك جانی بند نیست آن را جایش گذاشت يك کار دیگری هم کرد آن هم بجای خودش اما اینکه آقا بطور کلی از کامیل ولایت گذشتند و رفتند به نام بلژیکی ها این مسئله بعفیده بنده مناسب و مقتضی نیست که بطور کلی این طور گفته شود که فلان و اینها. بطور کلی گفتن این حرفها که يك مردمی بطور عام با اهل يك مملکت با ملتی بگویند فلانها بد کردند زندگانی بد کردند هاندیها بد کردند فلان امریکائی ها خوب کردند با چه کردند این خوب نیست آقا هر هاندی که این کار را نمیکند هر امریکائی هم که خوب نکرده (انسر - ایشان هم بطور کلی نگفتند) حالا مفسود اینست بلژیکی ها بد کرده اند هانس نبود که با شوستر طرفیت بکنند يك کسی دیگر بود حالا او هم

کار خودش را کرده است و رفته و وفات هم کرده است و کنترالتس هم مطابق تصویر مجلس بوده و يك چیزی مقرر شده و باید باو داده شود حالا اگر وقتی هم چندانی احساساتش خوب نبوده یا خیالاتش خوب نبوده بنده شخصاً نمیتوانم هانس را هم بنده شخصاً نمی شناسم ولی آزمون زمانی بوده که خیلی از ایرانیهای هم که حالا بجهت الله خوبند خود آقا میدانند آنوقت زمان يك زمان دیگری بود تابستان يك ناوبری دارد زمستان يك ناوبری دیگری دارد (خنده نمایندگان) آنوقت آنها از اینکار ها می کردند چونکه حامی های بزرگ داشتند میدیدند دولت ایران ضعیف است تکلیف بعضیها دادن هم قایده ندارد اختیار عزل و نصب هم با جماعت دیگری است که ایرانی نیستند این است که بعضی ها مدارا میکردند بعضی ها هم بانها خدمت میکردند قلباً و هر دو پیش بد است هم مدارایش بد است هم قلباً خدمت کردنش بد است بابتکه شاید باطناً بان بدی نبوده ولی اگر ظاهراً يك کاری کرده خالص بوده قابل مسامحه است حالا این هانس که اینطور بود بنده نمیتوانم البته وقتی صحبت بطور کلی میشود بعضی از اینها که اینجا بودند همینطور است که عیناً ما بنده بعضی ها شان طرف رضایت کلی نبودند بعضی ها شان بر عکس طرف رضایت بودند این است که بطور کلی نباید گفت. اما در مسئله خود مولینر بنده اینطور عرض کردم در مجلس گذشته صورت مذاکرات هست آقای اعتبار و آقای فرهمند و آقایان دیگر خواهند فرمود که چنین و چنان کرده فلانقدر برده شاید این مبلغ ها کم و زیاد داشته میشود گفته يك میلیون دینار برده يك میلیون قران برده يك میلیون لیره برده است این نظر خیلی هست اما لابد بنده قصد تکذیب ندارم البته ایشان بیان میکنند تمام مندرجات دوسیه را ممکن است بعد از بنده آقای اعتبار توضیح بدهند و شرح بدهند که دوسیه ها چیست ولی عرض میکنم دلیل نیست آنچه که بنده تکلیف است عرض کنم این است همانطور که عرض کردم با آقای وزیر پست و تلگراف قرار گذاشتیم از طرف ایشان هم

میتوانم در مجلس رسماً عرض کنم که امر داده اند که این امر را بیکیجائی برسانند توی دوسیه مانند معنی ندارد یعنی تعقیب کنند در محاکم صالحه رسماً بعد از تعقیب اختیار از دست بنده و شما خارج است اگر تعقیب کردند ما هم چیزهاییکه بنده و شما میدانیم شاید تیره شد و اگر اتهامات زیادی پیش وارد شد و محکوم علیه شد ممکن است به بیش از آن چیزهاییکه ما میدانیم محکوم شود از آنطرف هم عرض کردم این مطلب در جای خودش صحیح ولی مجلس شورای ملی با دولت شراکت دارند در امور و مسئولیت دارند و نباید بگویند چون يك وقتی این جا يك کاری شده بنده این جا نمی خواهم انتقاد کنم ولی این طور خاطر من هست که يك وقتی کنترالتس از مسیو هس آمد این جا با وجود اینکه کنترالتس امضاء شده بود و از مجلس گذشته بود و میبایستی داده شود گفتند که نمیتوانیم حالا خودتان بروید هر کاری دلتان میخواهد بکنید بکنید ولی این نمی شد شدنی نبود منتهی يك ترتیبی شد او را مرخص کردند و حقوق او يك طوری تصفیه شد چون غیر از این چاره نداشت حالا ما نباید بگوئیم که شماره کاری میخواهد بکنید بکنید مادر يك محظوری میباشد از بهمان بعد خودتان هر کاری میخواهد بکنید بکنید باشد در کنترالتس باشد. این نمیشود آقا. ولو اینکه آقای مؤید احمدی هم فرمودند کنترالتس ولی خوب این دو ماهه سه ماهه بنده سابقاً هم بوده و بعضی امورات بوده که آنوقت برقرار شده که الان هم جاری است و تأیید شده و بعد هم عرض کردم حکمیت حکم داده چیزی که میتوانم عرض کنم این است که اگر منظور و جمع نظر طرفین میشود بنده مخالفتی ندارم و موافقت میکنم و حاضر هستم که در آخرش عمقید شود یعنی برای اینکه آقایان اطمنان حاصل کنند بنویسند که این پرداخت مشروط بر این است که رسیدگی شود و حکم صادر شود و بعد از آن ممکن است بپردازیم (کازرونی - کنترالتس اصلاً مجلس نبوده)

بلی مجلس نیامده است مال خیلی اشخاص بمجلس نیامده ولی اینکه بخواهید اصلاحات کنترالتس را که دولت سابقاً امضا کرده و نه حکم حکمیت را قبول کنید البته چیزی است که دولت در محظور می افتد و اسباب زحمتش میشود می توانیم بگوئیم که بلی این حقیقت است ولی منم حق دیگری بر کردن شما دارم و آنرا رسیدگی می کنم بعد اگر رسیدگی و تثبیت شد میدهم ولی بطور کلی نمی دهم هر کاری که میخواهید بکنید این خوب نیست و این ترتیب مقتضی نیست بیشتر از این عرضی ندارم اما در باره اشخاص خوب و صالح که در مملکت آمده اند و رفته اند و خدمت کرده اند آقای مؤید احمدی خوب شد که خودشان بعد فرمودند و تذکره دادند تذکرش خیلی خوب بود ولی باین ماده ارتباطی ندارد در باره اینها بنده شهریه برقرار نکردم در باره آنها هم شهریه نیامده است که بنده بد کرده باشم (مؤید احمدی - پیشنهاد کنید) البته در باره اشخاص صالح باید همه نوع مساعدت کرد در این موارد همیشه خود مجلس شورای ملی بیشتر مساعدت کرده است (صحیح است) دولت هم البته باید منوجه باشد و برای شان مساعدتی بکند. خیلی شان هم برایشان فراری گذاشته شده خیلی هم شهریه دارند مستمری دارند و مساعدت شده است شاید در باره بعضی هایش هم میشود ولی آنچه که شده است همه اش بموجب قوانین بوده است یعنی اگر قانونی در باره کسی هست ما میدهم و اگر قانونی ندارد ما نمیدهم مثل مسئله مقبره که مثل زدند در جزء آن قانونی که پارسال گذشت نبوده است و در آن قانون فقط این خرج محدود شد سه چهار نفره و باقی را در قانون حذف کردند و ندادند فرمودند دو سه سالت میروند و بهشان نمیدهند مثل این است که خود وزارت مالیه رد میکند خبر اینطور نیست آقا قانونش اینطور است حذف کرده اند و تا در قانونش نباشد نمیشود داد (صحیح است)

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - آقای وزیر محترم مالیه بیانی فرمودند که

ماحصل آن بیان این بود که ما افرادی که اجازه خواسته ایم برای صحبت داشتن بیانات ایشان را کاملاً لاف گفتیم و آن بیانات را جواب از سؤالاتی که بعد خواهیم کرد بدانیم و با اصطلاح رشته صحبت کردن تسدیری کوتاه بشود بنده البته تا درجه بنوبه خوردن این نصیحت را گوش گرفته و البته از طول کلام خیلی بیگانهم لکن ممکن است که یک طرزی را عرض کرده باشم که با این طرز خاطر ایشان هم از آن رهگذر قدری مطمئن تر بشود و کار یک قدری بهتر و سهل بشود بلکه یک نتیجه گرفته شود. ممکن است آقای یک مستخدمی حالا بآن کنترت و شرایط و اینها کار ندارم یک مستخدمی حق دارد و مادامی که خدمت دارد میکند آن حقوق خودش را بگیرد حقاً و قانوناً اگر منتظر خدمت است حقوق انتظار خدمتش را حقاً و قانوناً بایستی بگیرد اگر مدت مدیدی خدمت کرده است و بعد متقاعد شده است که آن حد خدمت کردنش گرفتن حقوق تقاعد را ایجاد میکند حقوق تقاعدش را باید بگیرد این درست است؟ پس ممکن است یک مستخدمی سه نحوه از حق را پیدا کند مادام که مشغول خدمت است، واجب و مدد معاش بگیرد و اگر منتظر خدمت شد حق توق انتظار خدمت و اگر متقاعد شد حقوق تقاعدی حق دارد بگیرد. حالا همین مستخدم ممکن است برای اتهام گرفتن رشوه یا بر داشت پول از خزانه دولت یا سایر خیانت‌هایی که در قانون اسم برده شده است متهم بشود و برود بمحکمه جزای عمل دولت یا محکمه عمومی و در آنجا محکوم شود به پنجشاهی دهشاهی یک فران اثر آن محکومیت برای این مستخدم چه چیز است؟ این حقوق حقه را که او از آن مستدق داشت و از روی عدل و حق و حقیقت میگرفت آن حقوق از او سلب میشود یعنی بعد از صدور حکم محکومیت دیگر حقوق نمیشود بار داد خدمت هم باز رجوع نمیشود حقوق انتظار خدمت هم نمیگردد نمی تواند بگیرد حقوق تقاعد هم نمیگیرد بلکه از خیلی از حقوقها هم محروم میشود در ملک

ببرد بیاید به بینند چیزی ندارد میگویند نگو عیب است حرفش را نزن آبرویش میریزد من که نمی توانم بفهمم حقیقته میل داشتم یکی این را بمن بگوید. نگو نگو آبرویش میریزد این یعنی چه آقای آبرو در صورتی میریزد که بفهمیم در صندوق او پول است محمد این منصور که یکی از علماء است شب تزعش زنتش گریه کرد گفت چرا گریه میکنی گفت صبح از فضاحت ما مردم مسروق میشوند گفت چطور گفت تو میبری و حال آنکه کفن نداریم برای تو و مردم تا امروز نمیدانستند که ما فقیریم گفت فضاحت آن نوقتی است که مردم وقتش جمع میشوند به بینند در صندوق ما پول است این فضاحت نیست که بفهمند ما کفن نداریم حالا این عیب در اخلاق همه جاری شده است بنده در عدلیه (حضرت آقای وزیر مالیه) بوده ام که این مرد عسکر قاضی علیه رضوان الله مرد بخانه او رفتیم که جنازه او را حرکت بدهیم (البته میدانید که درست میگویم و قدرت دارم که حرف راستم را اقلاً بگویم) هیچ چیزی که اسم چیز بر او اطلاق بشود در خانه او نبود و ما یک یک از جیبهای پول در آوردیم و جنازه او را بر داشتیم همان دقیقه در همانجا من سهوی نوشتم فضاحت حاضر آنجا که همشان فعلاً حی هستند همه به بنده گفتند که نکن این کار فضاحت دارد که تم فضاحت دارد که این بیچاره عیب گرفته بماند این فضاحت دارد به لجه لجه تقسیم زندگانی آنها را در آرزو من اداره کردم سه مرتبه از مقام ریاست مجلس شورای ملی آنوقت که در هیئت رئیسه بودم از محلی که برای فقرا بود وجهی گرفتیم و بررته آنها رسانیدم در چه صورت در صورتیکه آنها نان شب نداشتند میگویند اینطور نیست تحقیق کنید بالجمله این است که آنها در آخر درجه بدی است و ضعیفشان از حیث شرافت روح پدرشان درجه خوبی است و ضعیفشان از حیث دخاله داشت و در آخر بجهت اینکه سالیان دراز در کارها دخالت داشت و در آخر که مرد پاك تر بود از هر یکی این وضع و سبک مسامت نسبت باین افراد این مقداری از اطلاعات من بود نسبت باین موضوع و سایر موضوعاتی که خود حضرت مستطاب

عالی بهتر از من مسوقید. خوب حالا اگر مقدور است که سرپای این کار را ما جمع کنیم که با اصطلاح نظریست محفوظ شده باشد زیاد معیوب نیست.

وزیر مالیه - آقای اورنگ فرمودند که چه قدرتی دارد در اینکه مولیترا حالا فصولی کنیم و بعد از آنکه ثابت بدهند یا اینکه اول تحقیق و سیدگی بشود و وقتیکه ثابت شد گناهی ندارد یا دولت حق مالی برش ندارد باز بدهند بنده عرض میکنم البته تا اندازه این منطقی و صحیح است و بنده نمیخواهم درباره مولیترا خیلی اصرار کنم و خیلی هم موافقت ندارم این ادعای خیلی خوبی است که درباره مولیترا شده در سببهای آن هم حاضر است ولی درباره هفتاد مجلس کنترت او را تصدیق کرده و خدمتانی هم کرده است و مدت زیادی هم نخواهد شده چهار سال بیشتر نمیشود و باین ملاحظه گمان نمیکنم عیبی داشته باشد اما ثابت به ماده بعد هم آقای مؤید احدی یک چیزی فرمودند باید توضیحش را عرض کنم اینها فقط چهار یا پنج نفر میشوند این قانونیکه از مجلس گذشته راجع به مستمریانی است که فرمان دارند نه آنها بلکه ذوطرفین است آنیکه ذوطرفین است باید همین جور باشد که مثل مولیترا است بمبرود بمحکمه حکمیت و بمقتضا خودمان حق نداریم چیزی کنیم ولی در واقع از بیست تا شانزده نفرش شامل همان ماده میشود چهار پنج نفرش که کنترت است و طرفین امضا کرده اند به آنها هم نوشتیم اگر راستی باشند آنها را هم تبدیل کنیم والا خیر.

رئیس - آقای فرمودند

وزیر مالیه - آنچه راجع به مولیتراست حذف میکنیم. مخیر - چون قسمت مولیترا موضوع بحث است و آقای وزیر مالیه هم موافقت در حذف آن کردند حذف میکنیم و اصل موضوع دیگر از بین میرود.

رئیس - آقای رفقا خواهانند خارج شود. آقای دشتی خواهانند قسمت مولیترا بخصوص حذف شود. آقای مؤید احدی خواهانند ماده حذف شود در حذف قدر مشترکی پیدا کنید.

مخبر - حالا همه شان در این نظر شرکت کنند.
 رهنما - بنده هم موافقت میکنم.
 دشتی - پیشنهاد بنده راجع بحدف کامیل مولیز است
 آقای وزیر مالیه هم موافقت کردند.
 اورنگ - توافق حاصل است
 رئیس - ایشان میگویند راجع به هتسنس هم همین
 نظر را دارند که تجزیه بفرمائید.

مخبر - اجازه بفرمائید بنده جواب بدهم همه آقایان
 و مخصوصاً آقای مؤید احمدی که این فرمایشات را فرمودند
 خصوصیت با یکی و خصوصیت با دیگری ندارند و همینطور
 که آقای وزیر مالیه توضیح دادند قسمت هتسنس از مجلس
 گذشته و قانونیکه از مجلس گذشت خوب ما دیگر نباید
 در آن حرف بزنیم و مثل آن یکی هم دوسیه ندارد حالا
 اطلاعات خصوصی ممکن است باشد که يك مأموری بسد
 کرده باشد ولی در مقابل آن يك قانونی که از مجلس
 گذشته ما باید اجرا کنیم نسبت بآن یکی که همه سوء
 نظر دارند و متهم است آقای وزیر مالیه هم موافقت فرمودند
 که حذف شود بنا بر این دیگر اختلافی در این ماده نیست
 و خودست که آقای مؤید احمدی هم موافقت بفرمایند که
 ماده بگذرد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در موقع نظام يك نکته را
 فراموش کردم و آن که موقع پیدا کردم عرض میکنم
 در کتاب کشف تلبیس که خود آقای وزیر مالیه نوشته اند
 این عبارت را دیدم هتسنس گفته است من مواجب اداره
 ژاندارمری را آنقدر بتأخیری اندازم تا منحل شود. این یکی
 از خدمات ایشان است (اورنگ - ایشان نوشته اند این
 کتاب را) (وزیر مالیه - صحیح است من نوشته ام)
 عرض کنم حضور مبارک عالی اگر قانونی هست که به هتسنس
 بعد از قوایش چیزی بدهند بنده همچو قانونی را ندیده ام
 بفرمائید کجاست بنده پیشنهاد تجزیه را قبول میکنم.
 وزیر مالیه - اولاً در کتاتش هست ثانیاً آن که می‌دانم
 که فرمودند بنده نوشته ام یکی از آن کتابهای آلمانی

مؤید احمدی (منشی) - اعضاء را فراموش کرده‌اند
 آقای دشتی
 رئیس - آقای مخبر شمام موافقت کنید.
 مخبر - موافق هستم باین اصلاح که قسمت هفت که
 نوشته اند حذف است باین اصلاح موافقت میکنم.
 مؤید احمدی - بلی قسمت هفده است.
 رئیس - نظر دولت هم همین است ؟ موافقت میکنید
 با همین مضمون ؟

وزیر مالیه - بلی موافقت

رئیس - رأی میکنیم به ماده بیست و پنجم بوضعی
 که اخیراً تنظیم فرمودند موافقت قیام فرمایند.
 (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و ششم قرائت
 میشود :

ماده ۲۶ .. مستمریات مستخدمین خارجی که بموجب
 کنتزات در باره آنها برقرار شده از اول سال ۱۲۱۹
 ببعد کماکان قابل پرداخت خواهد بود مگر اینکه خود
 مستخدمین مذکور تقاضای باز خرید آنها بنمایند که در
 اینصورت بر طبق قانون باز خرید مستمریات مصوب ۱۸
 اردی بهشت ۱۲۱۱ خریداری خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده عقیده ام این است مختصر توضیحی
 بفرمایند چون بنده اطلاع نداشتم از این جمله که در آخر
 عرایضم عرض کردم که چرا فرق میکذارید در باز خرید
 مستمریات آقای وزیر مالیه در توضیحشان فرمودند چند
 فقره اینها هستند که در کتاتشان این شرط شده و مطابق
 قانون سابق باید پرداخته شود بنده عقیده ام این است که
 چون فرمودید پنج یا شش نفر بیشتر نیستند خوب بود
 اسمایشان را ذکر بفرمودید که شامل نام مستخدمین خارجی
 نشود و بان چند نفری که شرط درشان هست لااقل داده
 شود که قانون هم لحاظ نخورد و قانون سر جایش محفوظ
 باشد این چند نفری که استثنای از این قانون هستند ذکر
 بشود.

وزیر مالیه - این همان معنی را که منظور آقایان
 دارد (مستمریات مستخدمین خارجی که بموجب کنتزات
 در باره آنها برقرار شده است) مستخدمین خارجی داریم
 که فرمان از سلاطین دارند اینها مثل سایر مستخدمین است
 ولی آنها که کنتزات است باید طرفین رضایت بکنند بنده
 اسم همه شان بادم نیست یکی یادوتا بادم است ولی بپد نام
 چهار یا پنج نفرند اینها.

رئیس - آقای مخبر فرمایند

مخبر فرمایند - عرض کنم که بنده از موقع استفاده
 میکنم در آقامت اول چون آقای وزیر مالیه زحمتی
 از بعضی آقایان کم کردند ولی لازم بود در نکته تذکر
 داده شود از نقطه نظر ترقیه مطالب حالا که ماده را
 پس گرفتند البته شخصی که این مواد را تهیه میکند
 باید بسابقه عمل هم توجه داشته باشد چون شخص آقای
 وزیر مالیه بقدری دقیق هستند و بقدری حفظ منافع
 را فرمود توجهشان فرار دادند که اگر این ماده تصویب
 میشد البته با آن دقتیکه ایشان دارند خوب نبود الان
 همین مبلغی را هم که گذاشته اند صرف نظر از دوسیه
 های موجود که در وزارتخانه ها هست و قلم های دقیقی
 که هست در دوسیه ها و صورت مجلس ها در همین مبلغ
 هم که در این لایحه گذاشته اند اشکباه کرده اند برای
 اینکه در همان کنتزات غیر قانونی که بان آدم داده اند
 هشت هزار فرانک است اسم طلا هم نیست اینجا که هزار
 فرانک است طلا هم نوشته اند اینرا محض اطلاع خاطرشان
 عرض کردم . راجع بمستمریاتی که برای خارجیا در
 اینجا ذکر شده است بنده میخواستم سؤال کنم اینها
 بر طبق يك قانونی است که از مجلس گذشته است باینکه
 خیر مثل همان مستمری است که برای مستمری باین
 ترتیب کنتزات کرده اند و در قرارداد گذارده اند اگر
 طبق قانون است او را بفرمائید در چه نارنجی بوده است
 و بعلاوه بایستی مستمری که بخارجی داده میشود همین باشد
 چند سال خدمت کردند مستحق مستمری هستند و الا هر
 کتترانی که میاورند سابقه میشود هر کس که بخواد بیاید

سه سال پنجاه سال ده سال خدمت کند و برود روی سابقه
 بگوید باید بمتهم مستوری بدید البته باید بمجلس بیاید
 و این سابقه های بدو باید محو کرد
ولپر مالیه - سابقاً اینطور رسم بوده در کنترانهای قدیم
 حالا مدنی است منسوخ شده ما در هیچ کنترانی دیگر
 حالا مستوری قرار نمیدیم اینکه میفرمایند اینها موجب
 قانون بوده است یا نه اینها در قانونیش حکم مستمریات
 دیگر را دارد یعنی سلاطین سابق فرمان داده اند یکی از
 اینها را که بنده میدانم از حفظ طیب مظفرالدین شاه
 بوده است هنوز هم زنده است در آنوقت مثل سایر مستمریات
 برقرار شده و کنترات شده است و اگر بعد از دوره
 شروع مشروطیت بوده است که البته بموجب قانونی است
 که از مجلس شورای ملی گذشته است یکی از این دوفاست
 این کنترانی است که باقیل از مشروطیت در زمان گذشته
 بانها فرار داده شده است یا بعد از مشروطیت بنصوب
 مجلس شورای ملی رسیده است و غیر از این نوع دیگری
 ندارد

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - در ماده بیست و ششم عرضی که بنده داشتم
 فقط مربوط است بیک اصلاح عبارتی که آقای وزیر مالیه
 هم که آن میگویم موافقت بفرمایند اینچنان نوشته شده مستمریات
 مستخدمین خارجی که بموجب کنترات در باره آنها برقرار
 شده بنده اضافه کردم و پیشنهادی هم تقدیم کردم که به
 بموجب کنترات مصوب مجلس شورای ملی باشد و اینچنان
 اگر اینکار را نکنیم بالاخره آنوقت تصدیق میکنیم که در
 غیاب مجلس يك کنترانهایی را به بندند و آن کنترانهایی
 صحیح و معتبر است و حال آنکه بمطلب اینطور نیست
 بموجب قانون اساسی کلیه کنترات مستخدمین خارجی
 باید بنصوب مجلس شورای ملی برسد و همچنین کنترات
 مصوب مولینر هم حاضر و موجود است در آنجا در اوراق
 مصوب هیچ عنوان مستوری و این صحبت هارا ندارد در
 کنترانی که بعد در خارج با او بستند و بمجلس هم

ولپر مالیه (مهم) - مستمریات مستخدمین خارجی
 که بموجب کنترات قبل از تأسیس مجلس شورای ملی
 یا بعد از مشروطیت در باره آنها برقرار شده و از اول
 سال ۱۳۱۱ بر طبق قانون باز خرید مستمریات مصوبه
 ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۱ خریداری خواهد شد
ولپر مالیه - چطور فرمودید آنها
ولپر مالیه - بموجب کنترات قبل از تأسیس مجلس
 شورای ملی یا بعد از مشروطیت بنصوب مجلس رسیده
 باشد

ولپر مالیه - بعد از آن هم اگر کنترانی باشد او
 را هم میتوانیم بخریم خواهش میکنم اینطور بنویسند که
 قبل از تأسیس مجلس شورای ملی یا بعد از آن بموجب
 کنترات مصوب مجلس

رئیس - ماده را با این اصلاح میخوانیم

ماده بیست و ششم - مستمریات مستخدمین خارجی
 که بموجب کنترات قبل از تأسیس مجلس شورای ملی
 یا بعد از آن بموجب کنترات مصوب مجلس در باره
 آنها برقرار شده از اول سال ۱۳۱۱ بر طبق قانون
 باز خرید مستمریات مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۱
 خریداری خواهد شد

رئیس - اشکالی ندارد. مورد توافق است. آنگاه بیکه
 با ماده بیست و ششم بوضعی که تقرر شد موافقت فرمایند
 فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیست و هفتم:

ماده ۲۷ - مستخدمینی که برای رسیدگی بانوامات
 وارده بآنها از خدمت موقتاً منصرف و یا از محل مأموریت
 بدون صدور حکم انتظار خدمت احضار میشوند و بعد در
 محاکم اداری تیراج شده یا موجباتی برای ارجاع آنها
 بوجاهم عمومی مشاهده نمیشود حقوق مدت انصاف بوقت
 آنها یا مدتیکه بحکم وزارت خانم یا ادارم مربوطه بدون
 صدور حکم انتظار خدمت در محل مأموریت خود نودند اند

در صورت وجود اعتبار داده خواهد شد - و در صورتیکه
 اعتبار آن در بودجه سال مربوطه موجود نباشد وزارتخانه
 یا اداره مربوطه باید در بودجه سال بعد منظور نماید

رئیس - آقای ولپر مالیه

ولپر مالیه - عرض کنم هرروز که کلیات مطرح
 بود در این ماده آقای مالک مدعی يك فرمایشی فرمودند
 و آقای وزیر مالیه در جواب فرمودند که این غیر از
 مستخدمینی است که بحکم جزای عادل دولت بیرونند
 عرض کنم بنظر بنده این ماده مضرت است یعنی بقانون
 استخدام این ماده لطمه وارد میآورد چرا که در ماده چهارم
 قانون استخدام تصریح شده که اگر مستخدمی تصیر اداری
 کرد او را می آورند در محکمه اداری محاکمه می کنند
 اگر چنانچه معلوم شد که تصیرات عمومی دارد رشوه
 گرفته است اختلاس دارد که چنانچه و جنایت است
 میفرستند بحکم عمومی و آنوقت محکمه اداری منظر
 میشود تا رأی محکمه عمومی در باره او صادر شود در هر
 دو ماده یعنی چه اینکه در محاکم اداری محاکمه شود چه
 در محاکم عمومی وقتی تیراج شد در هر دو تصریح دارد
 که حقوق این مدت را بهمش بدهند لکن اینجا منحصر
 کردم بجهان محکمه اداری تالی بر این نوشته است اگر عمل
 باشد بار میدهند. يك آدمی را که شما مقدر دانستید
 يك سال از کار انداختید محاکمه اش کردید معلوم شد
 بی تصیر است تیراج اش کردید حالا حقوق این مدت را
 میگویند نمیدهند این بنظر بنده کار خوبی نیست و باید
 رعایت کرد از يك مستخدمی که در محاکمه معلوم شد تصیر
 ندارد. برای چه حقوقش را ندهند.

ولپر مالیه - این ماده آنها برای زحمت مستخدمین
 ایجاد نموده است برای ارفاق بخصوصی ایجاد شده است
 آنها بیکه بدیوان جزای عادل دولتی میفرستند قانون دارد
 در خود قانون استخدام هست که وقتی تیراج شد البته
 باید حقوق مدت خدمت را بهشان بدهند و اگر سابق
 نمیدادند بمطلب دیگری است و حالا ترقیبانی داده شده است

و مخصوصاً ما قید کردیم مهالیت کردیم و در بودجه های هر وزارتخانه جدا گانه اعتباری برای این قسمت منظور شده اما این غالب و اکثریت مواردش راجع است بچیزهایی که آقایان همه میگویند مثلاً هیئت تشبیه انتقالی می افتد بعضی جاها میروند در این دو سال اخیر شده است بکنفری بنظرشان میآید میفرستند به تهران و در آن مورد اگر خود وزارتخانه احتمال تقصیری در او میداد او را متهم میدانست بسا بود که قبلاً او را منظر خدمت میکرد و بعد هم رسیدگی میکرد و اگر تقصیر داشت بدیوان جزا میفرستاد ولی موردی هم هست که میباید اینجا و مدنی مطلق میشود و اصلاً نمیرسد بدیوان جزا بک مواردی است که خود وزارتخانه ها بکنی را بمحکمه اداری جلب میکنند منظور خدمت هم نشده است آمده است اینجا و بکارش هم رسیدگی میکنند و خیل از موارد اضافی افتاده است اینجا مطالبه میکنند بگویند یا به حقوق انتظار خدمت بدهید یا اگر تیرا شده ایم حقوقی بام خدمت را بدهید برای هیچکدام قانونی نیست این برای بر کردن بک تقصیر است که تا حالا وجود داشته است قانون برای محاکم عدلیه هست ولی برای محاکم اداری نیست و حالا خواسته ایم هر دو را بدهیم بدون این که این قانونی بشود این تقصیر موجود است و مرتفع نمیشود.

رئیس - آقای مخبر فرزند

مخبر فرزند - عرض کنم این ماده راجع باشخصی است که بالاخره با اتهام اداری پیدا میکنند یا میروند بدیوان جزای عمال دولتی اگر تیرا شده اند حقوقشانرا بدهیم و اگر اندود که مجازات شوند بنده از موقع استفاده میکنم و عرض میکنم اولاً این اشخاصی که متهم میشوند و اینها را دعوت میکنند بدیوان جزای عمال دولتی غالباً دیده شده است که پس از بک مدتی مدتی بکسال و دو سال تیرا میشوند و میباید بیرون خلاص صرف نظر از اینکه اینها بک خسارتی دیده اند و بک زحمتی

همان اشل می و در توهمان اجرا شود بنده تصور میکنم که لازم میشود مالیاتی وضع کنند و نه مستخدمین باین حال عسرت می افتند.

وزیر مالیه - مطالب اولی که فرمودند بنده منظور حقبتی ایشان را ملالت نشدم بفرمایند اگر اعتبار هم نباشد باید بدهیم. غیر از اینکه اینجا نوشته شده است راهی ندارد الا آن اعتبارانی است تقسیم شده کمسیون مجلس شورای ملی هم تصویب کرده است و بعد تمام می شود چهار ماه دیگر برای بک کسی اتفاقی می افتد از کجا بدهیم اگر اعتباری در بودجه برای اشخاصی که محاکمه می شوند و تیرا می شوند منظور شده باشد از آن اعتبار باید داد و اگر تمام شده باشد باید در بودجه سال آتی منظور شود و غیر از این هیچ نمی شود کاری کرد. عرض کردم همان چیزی است که منظور آقایان است یعنی میخواهند مستخدم وقتیکه منهدم شد در مدتی که منهدم است و تیرا شد حقوق خدمت بهش بدهند نه حقوق کمتر و این همان منظور شماست و حد اعتدالی که منظور آقایان است اینجا نوشته شده مطالب دوم که فرمودند البته اینجا مستقیماً مربوط نمی شود ولی مکرر آقایان صحبت بفرمایند راجع بدستخمدین بنده هم چون مربوط باین ماده نیست نمیخواهم توضیح و بسط بدهم ولی میخواهم بک چیزی عرض کنم برای همیشه و این را از روی کمال صداقت و خیر خواهی عرض میکنم اینکه همیشه در باره مستخدمین دولت صحبت می شود مثل این است که اتهام فکر و ذکرمان این است که مستخدمین دولت چطور باشند اشل را چطور قرار بدهیم این برای خود شریکی از کارهای کوچک این مملکت است البته باید مواظبت کنید ولی اینکه شایع فلان رئیس اداره یکی از اجزاء را بیرون کرده است باید بکنی از ادارات بک محضوبی بدهد آمده بود شایع حقوقش را نمیدهند این بکنی از کارهای مهم مملکت نیست این تأثیر را دارد بنده بطور کلی عرض میکنم که ایتمه مردم مملکت که در بدبختی هستند یا در خوشبختی هستند اشخاصی که زحمت دارند اشخاصی که از ولایتی آمده اند و مؤدیان مالیاتی و نجار و اصناف و کسبه و عامه مردم همه درد دارند ما نباید همه فکر و

ذکرمان مستخدمین دولت باشد مستخدمین دولت راهم البته باید مراعات کرد مراقبت کرد کارشان را مرتب کرد که ظلمی بهشان وارد نشود چون بک طبعه هستند از ذات ولی هیچ اصراری نداریم که خدمت بلکه دولتشانرا وقتاً صرف مستخدمین دولت شود این صحیح نیست اساساً منتفی نیست (صحیح است)

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - یکی از مسائلی که در بودجه اخیر انجام شده است و بنظر بنده تأثیر در حسن اداره مملکت و اجرای عدالت داشته است مسئله تعقیب و باز پرس مستخدمین ادارات دولتی است برای اینکه در ده سال دوازده سال قبل همه مردم و طبقات منور و نمایندگان مجلس شورای ملی شاکمی بودند از اینکه مستخدمین ادارات دولتی انجام کسبزه هستند و در کارهای آنها مؤاخذه و باز پرس نمی شود خوشبختانه در اثر توجهی که بحسن اداره مملکت شده است قانون دیوان جزای عدال دولت تصویب و به موقع اجرا گذاشته شد و می بینیم همه روزه مأمورین و مفتشین کشف جرائم دنبال میکنند و تعقیب می کنند و مستخدمین ادارات دولتی را هر کدام که مورد اتهام واقع می شوند تعقیب میکنند بنده معتقد هستم که هر چه سخت تر بایستی مستخدمینی که منحرف می شوند از راه راست تعقیب باید کرد و برای آنها مجازات باید قائل شد هیچ تردیدی در این ندارم و معتقدم که خیلی حسن اثر در اداره مملکت دارد ولی از طرف دیگر معتقد هستم که اگر چنانچه بک مستخدمی بایک قران و نعلانی تحت تعقیب واقع شد و بعد تیرا شد بایستی نسبت باین قبیل مستخدمین نهایت مساعدت را کرد یعنی بیش از این اندازه هم که حق دارند چرا برای اینکه این اشخاص بک مدتی قبل از محاکمه و بیعت جرم توقیف شده اند اغلب دیده ایم در دیوان جزای عمال دولتی مستخدمینی منهدم و توقیف شده اند و بعد محاکمه شده اند و تیرا شده اند البته این اطافه و سخته میزند بحیثیت و شرافت آنها و برای آنها قابل جبران نیست ولی البته باید سعی کرد حتی الامکان جبران شود حداقل جبرانی که برای این قبیل مستخدمین ممکن است این است که

حقوق این مدنی که بی جهت تحت تعقیب بوده اند پس از صدور حکم تیریه ایشان داده شود بهمین نظر قانون استخدام و قانون دیوان جزای عمال دولت تصویب کرده است که حقوق ایام تعلق مستخدمین دولت داده شود و بهمین نظر هم هست که در ضمن قانون منعم بودجه این ماده ۲۷ را دولت پیشنهاد کرده است و کمیسیون بودجه هم تصویب کرده است ولی يك جریانی اخیراً در مورد این قبیل مستخدمین مشاهده شده است که این را هم یاد کرد عبارت (بدون صدور حکم انتظار خدمت) خواسته اند آن عملی را که نامحال نسبت به مستخدمین پیشده است رسمیت و قانونیت بدهند و آن این است که وقتی يك مستخدمی تحت تعقیب درمی آید و از محل مأموریت احضارش می کنند و يك مدنی طول می کشد و حق این است که وقتی تیریه شد تمام حقوق مدت خدمتش را بدهند برای اینکه صرفه جویی کرده باشند تمام نظر صرفه جویی را در مورد این قبیل مستخدمین اجرا میکنند برای اینکه يك مبلغ کمتری باین مستخدمین داده شود وقتی که يك مستخدمی تحت تعقیب درآید آن وقت بلافاصله يك حکم انتظار خدمت برایش می فرستند که نتیجه اش چه می شود؟ این يك تدبیری است برای اینکه اگر مستخدم تیریه شد بجای اینکه تمام حقوق مدت تمام را باو بدهند نصفش را باو بدهند و این هیچ سزاوار و شایسته نیست يك مستخدمی که بدون جهت حبس شده است توقف شده است اهانت بهش شده است و تیریه شده آتوق بجای اینکه تمام حقوقش را بهش بدهند حقوق انتظار خدمت بهش بدهیم بقیه بده این از عدالت و انصاف دور است و مقتضی است که دولت در آیه توجهی بکند که این قبیل صرفه جویی ها نسبت به اشخاص مظلوم و بیچاره نشود. این است که بده مقدم عباراتی که در اینجا راجع بحکم انتظار خدمت نوشته شده و منظور این است که يك صرفه جویی در پرداخت حقوق مستخدمینی که معاق شده اند بکنند هیچ مورد ندارد حضرت آقای وزیر مالیه در جواب نماینده محترم آقای مخبر فرموند يك فرمایشی فرمودند که اصولاً مورد تصدیق همه ماها است پنی ماها نماینده ملت هستیم و باید نسبت به تمام طبقات مردم يك نظری مساوی داشته

ندود. توجه دارید. مقصود این نیست. آن يك اعتبار کلی در بودجه دارد که حقوق آنها باید پرداخته شود. آن يك قانون معینی دارد که حقوقشان باید پرداخت شود. منظور این است که اگر يك مستخدمی مثلاً در کرمان متمم شد و رئیس اداره نتخواست او را معاق کنند وخواست يك تحفیفی در این کار بکنند بهتر این است که او را منتقل کنند با اینکه بگویند آنا تو منتظر خدمت هستی باید بروی مرکز و در محکمه اداری محاکمه شوی! این آدم وقتی که در محکمه اداری تیریه شد اگر پیشش خالی است که همان را بهش میدهند و اگر کسی را بجای او گذارده باشند که از اعتبار کلی ممکن است حقوقش را بدهند و اگر اعتبار نباشد در سال بعد برایش منظور میکنند و این منتها مساعدت است. او را معاق میکنند و باو میگویند تو منتظر خدمت هستی و اگر تیریه شد که البته شغل و حقوق انتظار خدمتش را باو میدهند بهر حال کاملاً در این ماده رعایت حال مستخدمین شده و بارعبایت تمام جوانب ماده وضع شده و خیلی خوب ماده است و در سالهای قبل هم در منعم بودجه این ماده نبود آنکه بود مال آنهاست که در محاکم قضائی و عمومی تیریه میشوند. اما این موضوعی که فرمودند راجع به مستخدمین و آقای فرموند هم فرمودند فقط در این ماده بمناسبت اینکه اسم مستخدمین برده شده فرمایشی کرده شد اگر چه وظیفه و کلاه این نیست که راجع باضافه حقوق در مجلس صحبت کنند مخصوصاً در قسمت بودجه پیشنهاد اضافه از وکیل شایسته نیست زیرا وکیل وکیل مردم است و باید از خرج جلوگیری کند مفذالك از نظر ارفاق بحال مستخدمین خوب بود بنده عرض نمی کنم حال و روز مستخدمین خوب است ولی در حدود بودجه مملکت و مؤدیان مالیات که این پول را میدهند ما باید با آنها حقوق بدهیم ملاحظه میفرمائید همه ساله اعتبارات اضافه و تزیین به تناسب در بودجه بوده بودجه وزارت مالیه صدر ده هزار تومان اضافه دارد و کابینه در هر قسمت از بودجه وقتی که ملاحظه میفرمائید

يك اضافه و ترفیعی برای مستخدمین ملحوظ شده منتهی این است که در حدود استطاعت بودجه مملکت باید باشد راست است که مملکت گرانی است ولی اگر موفق شویم که يك ترفیعی داده شود که حقوق مستخدمین با رعایت استطاعت و بنده مالی بودجه باشد باز بهتر است والا هی بگوئیم که به مستخدمین باید اضافه داد خوب نیست و به عقیده بنده این ماده خوبی است و این تذکرات را هم که فرمودند نافع است (مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۷ عبارت بدون صدور حکم انتظار خدمت حذف شود.

رئیس - ادله خودتان را فرمودید. احتشام زاده - بل. مقصود این بود که يك حقیقتی را بعرض مجلس برسانم. این که آقای دکتر طاهری فرمودند این ماده مربوط است به مستخدمینی که در محکمه اداری تیریه میشوند به عقیده بنده هیچ تفاوتی ندارد يك مستخدمی که در محکمه اداری تیریه میشود با در محاکم عمومی چه فرق میکند اگر بی تقصیر بود مساوی هستند باید باو هم حقوق داده شود ولی استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی بنده ماده ۲۷ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم ماده ۲۷ - مستخدمینی که برای رسیدگی و انشاءات وارد بآنها موقتاً از خدمت منتقل یا از محل مأموریت احضار می شوند پس از تیریه در محاکم اداری یا عمومی حقوق مدت اقصا موقت و پامدنی که از محل مأموریت احضار شده بآنها داده خواهد شد و هرگاه در مدت انتظار خدمت مورد اتهام و محاکمه واقع شود پس از تیریه معادل حقوق انتظار خدمت بآنها داده میشود.

تیسره - در صورتی که اعتبار منظور در بودجه سال مربوطه تمام نشده باشد وزارت خانه با اداره مربوطه باید از اعتبار بودجه سال بعد منظور دارد.

فهیمی - به عقیده بنده همانطور که در يك موافق مراجع به مستخدمین در قانون جزای عمال دولتی مجازات های سخت

می نویسیم البته در يك موارد دیگری هم باید موجبات تشویق و امیدواری آنها را ایجاد کنیم زیرا بیم و امید هر دو توأم است. در این ماده اینطورری که نوشته شده خوب نیست نوشته اند که اگر مستخدمی مورد اتهام واقع شود موقتاً منتقل و یا از محل مأموریت بدون صدور حکم انتظار خدمت احضار میشود وقتی مستخدمی که سرکار هست بواسطه اتهام احضار شده بنده در آن موقع صدور حکم انتظار خدمت را مقتضی میدانم همین خودش يك درجه او را پائین میآورد. مابا میگوئیم از امروز که شما این شده اید صاحب حقوق ورتبه هیچکس نیستید تا وقتی که تهرئه بشوید و اگر تهرئه شدید همان حال روز اول یعنی حال همان روزی که مورد اتهام واقع شده اید دارید! ما خوب است از اول عنوان انتظار خدمت برای او قائل نشویم مگر این که اسناد و مدارکی بدست بیاوریم که مورد اتهام شود البته در این صورت اگر تهرئه شد معادل حقوق انتظار خدمت باید باو داده شود ولی بعنوان این که الآن منم شده و باید محاکمه شوی حکم انتظار خدمت را برای او صادر کردن بنده صحیح میدانم باید بهمان حال باقی باشد تا تکلیف معلوم شود. در قسمت ثانی هم بلی اگر اعتبار این قسمت در بودجه باشد در آنسال باید باو داد و اگر نیست در قسمت سال بعد. حالا پیشنهادی که بنده کردم با نظر آقای وزیر مالیه اساساً موافق است فقط يك چیز است یکی اینکه اختصاصی به محاکم اداری داده نشده اعم است از محاکم عمومی و چه محاکم اداری هر کدام باشد وقتی که مستخدم تهرئه شد باید حقوقش را باو داد یکی هم اینکه ما انتظار خدمت را یکی از مراحل اولیه مجازات قرار ندیم یعنی بعضی اینکه مستخدمی مورد اتهام واقع شد فوراً او را منتظر خدمت میکنیم تا بعد. این خوب نیست باید او را بحال خودش باقی گذاشت اگر تعقیب و محکوم شد که هیچ حقوق ندارد ولی اگر تهرئه شد تمام حقوقی را که از روز اتهام داشته تمام را باید بگیرد اعم از اینکه حقوق انتظار خدمت باشد یا حقوق اشتغال بخدمت

وزیر مالیه - يك مسئله را اول عرض کردم که این ماده صکه در اینجا گذارده شده است برای ارفاق مستخدمین است حالا اگر حذف بفرمائید نتیجه اش این میشود که حقوق انتظار خدمت هم بآنها نمیدهند برای اینکه مسئله انتظار خدمت تنها چیزی است که فعلاً دست وزارتخانهها و رؤسای امور درش باز است برای کسانی که فرائض و علامات و امارات بر علیه شان هست که فعلاً کار او درست نیست ولی اسناد و مدارکی که او را محکوم میکنند ندارند آنوقت مجبور میشوند که اختیار نداشته باشند بر اینکه این آدمها بحال خودش بگذارند و حال آنکه خود آقای نثریف میبرید و میگویند فلان آدم در حقش فلان ظن است و فلان کار را کرده آنوقت این آدم همان حال ولایت را پیدا میکند و باید بجای خودش باشد خود وزیر با رئیس اداره که سوه ظن هم دارد باو باید او را بگذارد تا وقتی که محاکمه شود در صورتیکه اقلاد بعضی مواقع کسی که منم است اقتضا ندارد که بکار باقی باشد تا روزی که محاکمه شود و مشغول باشد. باید روز اول حکم انتظار خدمت را باو داد و حکم انتظار خدمت بکسی دادن برای این نیست که میخواهیم او محاکمه بشود بلکه برای این است که فعلاً نمیخواهیم کاری داشته باشد برای اینکه يك آدمی است بجهت دیگر هم ممکن است ناراضی از او داشته باشند. کارش را کم میکند و مرتب نمیکند تبدیل است عیبهای دیگر دارد ضمناً وقتیکه منتظر خدمت میشود تا وقتیکه محاکمه میشود حقوق انتظار خدمت باو میرسد بعد صکه تهرئه شد باز هم حقوق انتظار خدمت میدهند شغلش را هم میدهند. اگر شغلش هم خالی نباشد حقوق انتظار خدمت بهش میدهند ولی اگر هیچکدام از اینها نباشد امر مردم میشود بین اینکه یا يك کسی را که هیچ رضایت از اعمال او نیست و خیلی استادات هم باو میدهند در کار خودش بگذارند با این است که وقتی مستخدمی منم شد باید به محاکمه برود تا کی خلاص شود آن وقت حقوق انتظار خدمت هم باو میرسد و هیچ نمیدهند. پس این ماده خیلی ارفاق است برای مستخدمین.

اورنگ - صحیح است. ارفاق است.

فهیمی - بانوشبختانی که آقای وزیر مالیه دادند معلوم میشود در این مدت حقوق انتظار خدمت داده می شود در اینصورت بنده متذکر میکنم.

رئیس - آقای حشامزاده شما هم پیشنهادتان را استرداد کردید. (حشامزاده - بلی) رأی میگیریم بماده ۲۷ آفاتیکه با ماده ۲۸ موافقت دارند قیام فرمائید. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۲۸ قرائت میشود:

ماده ۲۸ - وزارت مالیه مجاز است مسکوکات معیوب را ولو اینکه دارای کسر وزن و عیار باشد یا کسر يك عشر از قیمت اسمی آنها توسط بانک یا بلاواسطه جمع آوری نموده و پس از موضوع کردن مخارج جمع آوری و فرغ پول واسطه عمل بقیه عایدات را در حساب خاصی نگاهداری نموده و حاصل آنرا بمخارج انتفاعی شرابخانه تخصیص نماید. و نیز مجاز است سایر مخارج تجدید ضرب و تبدیل عیار و وزن و مخارج حمل پولهای را که تجدید ضرب میشود از عایدات حاصله از فرغ وجوه اختصاصی دولتی تأدیه نماید

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده دو قسمت عرض دارم اولاً برای چه مسکوکاتی که عیار دارد چطور میشود که عیار پیدا میکند از اول کسر عیار داشته و یا کسر عیار ضرب شده است یا يك مسکوکاتی است که در ضراب خانه ضرب نشده است؟ اگر در ضرابخانه ضرب نشده است که عیارش تفاوت دارد و قلب است و نباید جمع آوری شود و اگر در ضراب خانه ضرب شده که نباید کسر عیار داشته باشد. این یکی قسمت دیگر راجع بيك عشر کسر کردن قیمت است مسکوکاتی که بواسطه استعمال از ش کاسته میشود برای چه این عشر مردم تحمیل شود در صورتیکه پول نقره امروزه نایابند طلا است و مثل اسکناس میماند که سابق نایابند نقره بود اگر اسکناس استعمال میشد از او کاسته میشد مگر بيك میگفت که من از او کسر میکنم و قبول میکنم. پس اینهم قدری درست نیست. دیگر اینکه بجه دلیل مخارج این

جمع آوری و اینها دو قسمت شده است يك قسمت جمع آوری و مخارج تجدید ضرب و يك قسمت هم از خود این عشر باید کسر شود و بقیه باید بروی مخارج انتفاعی و يك قسمت از فرغ وجوه اختصاصی بانک کسر شود. دلیلی چیست؟ برای چه اگر میخواهند عایداتی در آنجا پیدا کنند باید بروی مخارج انتفاعی يك قسمت از آنجا و يك قسمت هم از اینجا نگاهداری این حساب يك چیز غریبی میشود و بنده نمیدانم این چه جور میشود و اصلاً چه چیزی ایجاب کرده که این در این ماده ذکر شده است.

وزیر مالیه - مسکوکات معیوب آنچه که گفته میشود در این چهار پنجساله اخیر آقایان مهربانند که تعریفات مختلفی بآن داده شده. در این که مسکوک معیوب میشود و مسکوک را میشکنند یا سوراخ میکنند یا دسته برایش درست میکنند یا سوهان میزنند و دوره اش را میفروشند و باقی را میآورند به بانک ملی و میخواهند پول تازه بگیرند در این حرفی نیست و از طرفی هم باید مسکوک معیوب را تشویق نکرد دولت نمیتواند يك دکانی آنجا باز کند و بگوید من يك نقره سالم دارم در ضراب خانه و صد هزار تومان میخواهم ضرب کنم یکی دیگر هم دکانی جلوش باز کند و بگوید من اینها را نیز آب میکنم سوهان میکنم بکمن نقره از آنها بر میدارم و باقی را بهمان قیمت اولی میدهم و باید بر داری دولت که نمیتواند بکمن نقره رویش بگذارد و بفروشد ضرابخانه و تجدید ضرب کند و باز بیاورند و مردم دوباره سوهان کنند و نیزاب کنند. این را نمیشود کرد آقا (صحیح است) و نمیشود مسکوکاتی را که مردم عمداً نیزاب کنند یا بهرور زمان کسر کنند و بیاورند و بخواهند همیشه پول تازه بگیرند. مسکوکاتی که نیزاب شد. قلبی است. سوراخ شده. و دسته دارد. اینرا نمیشود گرفت از آنطرف هم ممکن بود بگوئیم هیچ نمیگیریم آنها البته صلاح نیست اگر بگوئیم مسکوک معیوب را هیچ بر نیداریم این بیشتر ضرر متوجه مردم میشود. اسکناس هم همینطور است. اگر اسکناس امضاء

یا نمره اش خراب شود آنها را هم نمیگیرند. هر چیزی باید سالمش باشد. اینکه نمره و بدید نمره نمانده طلا است اشتباه است نمیدانم چطور میشود؛ شاید يك غائبندگی داشته باشد (طهرانچی - مطابق قانون است) یکی دیگر قانون اخیر را ملاحظه فرموده اند که آنچه بدست مردم میدهیم باید بهمان قیمت و نسبت نمره داشته باشد و این ۸۲۸ در هزار نمره دارد (این ریالهای جدید) که درست معادل قیمت حقیقی خودش است. اول تصویبنامه صادر کردند که هر چه عبارتش کم است و زتش کم است یا سوهان شده یا سائبه شده یا تیزآبی شده اینها را صدی ده کسر کنند بعدا گفتند صدی بیست و پنج کم کنند یعنی هر نومان هفت هزار و ده شاهی یا هفت ریال و پنجاه دینار بحساب حالا. البته این کسر زیاد می‌شد و بعد از مدتی شکایاتی شد آن قسمت سوهان و تیزآبی خیلی ها را حذف کردند و گفتند مسکوک معیوب آن است که شکسته یا سوراخ دار یا دسته دار باشد و یا بطور فاحش از قیمتش کسر شده باشد. و حالا همینطور است آنها را مرتباً دولت خودش جمع میکند. چندین سال متوالی بانک شاهنشاهی برای دولت جمع میکرد حالا دولت خودش ترقیبی داده با بانک ملی که در آنجا جمع آوری میشود و این تجدید باید بعمل آید اینها را میدهند به بانک کسری دارد قبول میکند ممکن نیست اجازه داده شود بهر کسی که هر قدر مسکوک معیوب دارد که از وزنش هم کم شده باشد اینها را همینطور بدید دولت و سالمش را بگیرد. این نمیشود. مثل این است که هر روز تجدید ضرب کنند. اینکه گفته شد کسر عبارت است شما در مملکت يك ضرابخانه دارید ولی بدبختانه در همان ضرابخانه سابقاً چیزهاییکه ضرب میشده کسر عبارت هم داشته. عبارت صحیح نمیتوانستند بگیرند یا نمیدانستند یا نمیگرفته اند. بهر حال کسر عبارت داشته ولی حالا وقت میشود که تمام عبارت باشد معذالك تمام تمام نمیشود و يك چیزی حد فرخند دارد رخصت دارد بالا و پائین میشود

راجع باین ها فراری با بانک گذاشته شده که جمع آوری کنند این کارها اولاً صرفاً میخواهد. دودفته تجدید ضرب میخواهد. بمالوه نمره باید رویش بگذارد و مخارج ضرب دارد مخارج کسر عبارت دارد جمع آوری بالاخره مخارج لازم دارد که اینرا خود دولت باید بپانك بدهد و در دوره های گذشته طور غریبی شده یعنی آنچه که کسر کرده بانك بحساب دولت گذاشته بعدا هم دولت مقروض شده بانك و بعد از مدتی آمدند طلب بانك را دادند ظاهراً شصت هفتصد هزار تومان در سال های قدیم و سابق خرج این کار شده و دولت مجبور شد که بدهد آنوقت هم که میگرفته است کنار نگذاشته اند که برای همین مصرف مخصوص باشد رفته است جزو عایدات بودجه و دولات مجبور شده است بدهد حالا يك ترقیب صحیح خیلی منظم و مرتبی برای اینکار جداً داده ایم که از این صد دهی که کسر میشود گرفته میشود چه میزانی برای مخارج جمع آوری حق الزحمه خود بانك باید داده شود و بقیه البته برای تکمیل عبارت و نمره جمع آوری می شود و جزو مخارج انتقاعی ضرابخانه است و همینطور مخارج تجدید ضرب. ما مخارج اداری ضرابخانه را آقایان ملاحظه نمودند که در بودجه منظور کرده ایم ولی مخارج انتقاعی را منظور نکرده ایم مخارج انتقاعی ممکن است خیلی زیاد شود ممکن است کم شود. در اثر ضرب زیاد و کم میشود. مخارج اداری بر میدارد ضرابخانه بحساب دارد معاون دارد قبان دار دارد خزانه دار دارد سرایدار دارد مخارج انتقاعی این است پول ذغال دارد که نمره ذوب میکند و امثال اینها که مخارج انتقاعی هستند ولی این برای مخارج انتقاعی کافی نیست یعنی چیز کلی نمیشود. اینکه دو مطالب در يك ساده جمع شده معنی این نیست که هر دو در يك صندوق وارد شود. گفته شده است پس از وضع مخارج جمع آوری صدی ده در حساب دیگر نگاه میدارند. پس از وضع مخارج عمال جمع آوری یا خود بانك بقیه يك وجهی میشود که میانند و برای تکمیل و مخارج بهره برداری و

انتقاعی در ضرابخانه بکار میرود ولی این چیزی نیست که تمام مخارج انتقاعی را کافی باشد و بودجه و اعتبار دیگری جای دیگر منظور نشده است برای اینکار و برای آن باید در بودجه مملکتی يك مبلغ کافی گذاشته شود یا از محل دیگر. محل دیگر این است که فرغ وجوه اختصاصی باشد منتهی این است که اجازه میخواهیم فراهمش کردم عرض کنم که از این وجوه اختصاصی باید صندوق قاعد و صندوق های احتیاط را استثناء کرد حالا پیشنهاد میکنم صندوق عملیات و صندوق احتیاط طرق و صندوق قاعد که هست اینها استثناء شوند و ذخیره مملکتی هم که فرغش بيك جای دیگری اختصاص داده شده او هم مستثنی باشد

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده يك موضوعی را میخواستم از آقای وزیر مالیه تقاضا کنم بی مناسبت نیست از این ماده استفاده کرده و عرض کنم راجع باسکناس که مال بانک شاهنشاهی بود و سابقاً گذشت لکن يك عده اسکناس در دست يك مشت مردم قهر بیچاره مانده که نروزانه میخواهند و نه از این قضایا مطلع هستند این ها را باید تجدید کرد

یکی از نمایندگان - اعلان شده است

وزیر مالیه - تمديد و اعلان شده در روزنامه

مؤید احمدی - بسیار خوب متشکرم. دیگر عرض ندارم

وزیر مالیه - اجازه می خواهم که بعد از جاه وجوه اختصاص دولتی این را اضافه کنید؛ باسکناسی وجوه ذخیره مملکتی و وجوه قاعد و صندوق های تعاونی. منظور این است که قاعد و صندوق های تعاونی و استثناء شود. این جور نوشته شود؛ باسکناسی وجوه ذخیره مملکتی و وجوه قاعد و وجوه صندوق های تعاونی و امدادی چون بعضی ها اسم امدادی گذاشته اند و بعضی ها اسم تعاونی رئیس - این جزء اخیر ماده قرائت میشود؛ (از فرغ وجوه اختصاصی دولتی باسکناس وجوه ذخیره مملکتی و وجوه قاعد و وجوه صندوق های امدادی و تعاونی تادیه نماید)

رئیس - آقای مخیر

مخیر که پیون بودجه - موافقم.

رئیس - آقایانیکه با ماده ۲۸ با اصلاح اخیر موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد پیشنهاد شده است جلسه ختم شود (صحیح است)

۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - برای خاطر اینکه کمیسیون های بودجه و کمیسیون اقتصاد و کمیسیون خارجه کار دارند ما ناکریم که جلسه فردی عقب بیندازیم که کار هایشان را انجام بدهند (صحیح است) اگر موافقت میفرمایند جلسه آینده یکشنبه ۲۱ اردی بهشت سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیلابی

منته بودجه

(مجلس این ساعت از ظهر گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر